

نتایج و پیامدهای امنیتی انعقاد معاهده آخال (1260 ش)

همت‌اله شمولی¹، محمدعلی بصیری²

تاریخ دریافت: 1396/10/19
تاریخ پذیرش: 1397/01/27

از صفحه 49 تا 66

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ نظامی
سال چهارم، شماره پانزدهم، زمستان 1396

چکیده

یکی از معاهدات قابل تأمل و تأسف‌آوری که در دوران قاجاریه از سوی امپراتوری روسیه بر ایران تحمیل شد، قرارداد «آخال» است. این قرارداد در پی تصاحب گستره «ترکستان» و بخش خاوری دریای خزر، بین میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک انصاری وزیر امور خارجه ایران و ایوان زینوویف وزیرمختار روسیه در تهران منعقد شد. این مقاله درصدد است تا با شیوه توصیفی - تحلیلی، نتایج و پیامدهای امنیتی معاهده آخال (1260 ش) را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و همچنین نقش استعماری انگلستان در انعقاد این قرارداد ننگین را بررسی نماید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد انعقاد این معاهده زمینه‌های تجزیه ایالات شمال شرقی از طرف روس‌ها و فشار و نفوذ روس‌ها در ایران را افزایش داد که نمود عینی آن در قرارداد سال 1907 م و طرح تجزیه ایران به سه قسمت شمالی و جنوبی و منطقه مرکزی بی‌طرف نمایان شد. همچنین نقشه انگلستان در انعقاد این قرارداد بسیار مؤثر بوده که با واگذاری نقاط ترکمن‌نشین شرق دریای خزر به روسیه از نفوذ روسیه به مناطق جنوبی ایران که تحت نفوذ انگلستان در ایران بود، پیشگیری نمود.

کلید واژه‌ها

امنیت، روسیه، آخال، معاهده، انگلستان.

1- دکتری علوم سیاسی، استادیار پژوهشگاه علوم نظامی و مطالعات اجتماعی ناجا (نویسنده مسئول) hshamouli@gmail.com
2- دکتری علوم سیاسی، استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان: basiri360@ase.ui.ac.ir

مقدمه

معاهده آخال که ناصرالدین شاه ناگزیر تن به آن داد به آن بخش از گستره ایران از مرزهای شمال خراسان تا رود تجن به مثابه ایالت ماوراء دریای مازندران که به تصرف روسیه تزاری درآمده بود، رسمیت بخشید و به باور روس‌ها تصرف مرزهای شمالی ایران و آخال از سوی آنها، ایران را از تجاوزات ترکمانان نجات می‌داد. حال آنکه این تجاوزات مرزی سال‌های بعد نیز ادامه داشت و روس‌ها هیچ اقدامی به منظور پیشگیری از آن به عمل نی‌آوردند. روس‌ها حداقل از زمان اتحاد تزار اول با ناپلئون بناپارت 1800 م سودای تصرف هندوستان را در سر داشتند، هرچند که با روی کار آمدن الکساندر اول این نقشه خنثی شد، ولی روس‌ها در سال‌های بعد با رسیدن به سرحدات ایران و تحمیل معاهدات ترکمانچای و گلستان به مقاصد ارضی خود در شمال غربی ایران دست یافته بودند، اکنون وقت آن بود که توسعه‌طلبی خود را در سرزمین‌های شرق دریای مازندران ادامه دهند، آنها با پیشروی در این مناطق امتیازات سیاسی و اقتصادی عمده‌ای را به دست می‌آوردند و با نزدیک شدن به مرزهای هند، هم به بازارهای اقتصادی دست می‌یافتند و هم موقعیت انگلستان را در هند به خطر می‌انداختند. چنگ‌اندازی روسیه به مرزهای شمال شرقی ایران به دنبال شکست ایران از ترکمنان در سال 1260 ش در جنگ مرو آغاز شد و در سال‌های بعد ادامه یافت. با حملات روس‌ها به مناطق ترکمانان و منطقه آخال از سوی آنها، ایران از تجاوزات ترکمانان نجات می‌یافت و دیگر این‌که انگلستان رقیب آسیایی روسیه نیز در این زمان درگیر شورش‌های مستعمراتی خود بود و قادر به اقدام عملی در برابر پیشروی روس‌ها در این منطقه نبود. شکست قشون ایران در جنگ مرو 1260 ش از ترکمانان ثابت کرد که دولت قاجاریه قادر به اعمال نفوذ در سرزمین آخال نمی‌باشد. روسیه از جنگ مرو بهره‌برداری کرد و بر شدت و سرعت حملات خود افزود. رجال ایران هم که خود را قادر به مقابله با روس‌ها نمی‌دیدند از انگلستان هم جوابی جز سخنان مبهم و توخالی دریافت نمی‌کردند، ناچار با پیشروی روس‌ها کنار آمدند و ناصرالدین شاه از شنیدن خبر سقوط آخال اظهار شادمانی کرد و این چنین معاهده آخال در سال 1260 ش بین ایران و روسیه منعقد شد.

هدف این پژوهش، بررسی نتایج و پیامدهای معاهده آخال می‌باشد. این پژوهش به روش تحقیق تاریخی استوار است و با توجه به ماهیت مسئله، نوع داده‌های تحقیق،

کمی و کیفی است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها مطالعات اسنادی و رویکرد حاکم بر پژوهش، توصیفی و تفسیری می‌باشد و این پژوهش به دلیل ماهیت اکتشافی، فاقد فرضیه است و فرایند تحقیق بر محور پرسش تحقیق استوار است و در پی پاسخ به این سؤال است که معاهده آخال چه پیامدهای امنیتی برای ایران داشت؟

1-زمینه‌های شکل‌گیری عهدنامه آخال

روحیه صحرانشینی ترکمن‌ها از یک‌سو و سیاست نابخردانه حکومت مرکزی از سوی دیگر باعث گردید که بین ترکمن‌ها و حکومت مرکزی همیشه جنگ و درگیری وجود داشته است. استعمارگران در این زمان به ترکستان چشم دوخته بودند، روس‌ها می‌خواستند تمام ترکستان را گرفته، خزر را به دریای داخلی تبدیل نمایند. همچنین آنان می‌خواستند زمینه را برای رسیدن به آب‌های گرم و جامه عمل پوشاندن به نصایح معروف پترکبیر آماده کنند. از سوی دیگر انگلیسی‌ها می‌خواستند که با به دست گرفتن ترکستان، علاوه بر استفاده از منابع سرشار آن، مانع از همسایگی روسیه با هندوستان شوند، لذا این نحوه برخورد، روابط میان ترکمن‌ها و حکومت مرکزی ایران را تیره‌تر می‌کرد. به دنبال این روس‌ها وارد معرکه شدند و شروع به تصرف ترکستان کردند، پایگاه‌های ترکمن‌ها یکی پس از دیگری سقوط کرد و در سال 1260 ش به صورت کامل تحت سیطره روس‌ها قرار گرفت و به این ترتیب مناطق ترکمن‌نشین به طور کامل به تصرف روس‌ها درآمد و قرار شد که تعیین مرز و مذاکرات مستقیم بین دو کشور ایران و روسیه انجام گیرد. این مذاکرات منجر به انعقاد قرارداد آخال در سال 1881 م گردید (موسوی و دیگران، 1383: 89). از سوی دیگر معاهده آخال، زمینه‌ساز ایجاد قرارداد 1907 میلادی شد که بالاترین حد یک فاجعه بود و از این لحاظ دارای اهمیتی بزرگ بود که نشان می‌داد رقابت روس و انگلیس از آن‌پس وارد مرحله خطرناکی شده که استقلال ایران را هدف قرار داده بود و هدف این رقابت تجزیه ایران بود (کاتم، 1371: 201).

2- سیاست دولت قاجار در برابر حملات ترکمن‌ها

فضای آکنده از هرج و مرج و اغتشاش ایجاد شده پس از مرگ نادرشاه، دست ترکمانان را در غارت خراسان و مناطق همجوارش بازتر کرد و حکومت تازه استقرار یافته زنده نیز نتوانست امنیت و آرامش را در این مناطق ایجاد کند. پس از مرگ کریم‌خان زند در سال

1194 ق علاوه بر جنگ‌های طولانی بر سر به دست آوردن قدرت میان مدعیان جانشینی از یک طرف و قاجارها از طرف دیگر، سران قبایل و حکام محلی به منازعه با یکدیگر و دست‌اندازی به مناطق هم‌جوار خود مشغول شدند (مخبر، 1324: 7). کرزن گزارش می‌کند که به دنبال ترکتازی ترکمنان، عباس میرزا به تنبیه آنها پرداخت. به دنبال تسخیر سرخس به دست عباس میرزا بیشتر سکنه آنجا را از بین برد و بقیه را هم اسیر کرد و به مشهد آورد و در آنجا نفری چهار لیره آنها را به تیره یولتان که از منسوبان طایفه سالور بودند فروخت و بعضی از ایشان هنوز در سرخس اقامت دارند و جمعی از آنها در زهره‌آباد که در ساحل ایرانی رودخانه در قسمت علیا واقع است زندگی می‌کنند، ولی این تیره در روزگار جدید بدون اهمیت افتاده‌اند (کرزن، 1373: 268).

3- پیشینه آخال قبل از تجزیه از ایران

قبل از جدا شدن آخال (ایالت ترکمن‌نشین) از ایران عوامل ذیل نقش مؤثری در جدایی آن داشت:

1- قتل و کشتار بزرگ ایلات ترکمن و اسارت تعداد زیادی از زنان و کودکان آنها و غارت و سوزاندن سرزمین‌شان توسط لشکریان آقامحمدخان قاجار در سال 1212 ق باعث ایجاد کینه‌های فراوانی بین ترکمن‌ها و قاجاریه شد (موسوی ، 1383: 95).

2- لشکرکشی عباس میرزای نایب‌السلطنه به خراسان در سال 1248 ق که به کشتار و اسارت تعداد زیادی ترکمن و غارت و تخریب سکونت‌گاه‌هایشان منجر شد، نه تنها فتنه این ایلات چادرنشین را از بین نبرد بلکه در اثر خشم روزافزون و حس انتقام، ایلاتی که از هم دورافتاده بودند به یکدیگر پیوستند و ترکمن‌های مرو و سرخس یکی شدند و با نفرتی بیشتر به چپاول و غارت پرداختند (مخبر، 1324: 7).

3- سهل‌انگاری و بی‌توجهی دولتمردان قاجار نسبت به اوضاع شمالی ایران در کنار بی‌کفایتی و ضعف دولت مرکزی در برقراری امنیت این مناطق زمینه مساعدی برای تجاوزات و تاخت‌وتازهای مکرر ترکمن‌ها فراهم آورده بود (موسوی ، 1383: 97).

4- زندگی مبتنی بر چادرنشینی ترکمن‌ها در کنار خوی تجاوزکارانه این قوم زمینه مناسبی برای ترکمن‌ها به وجود آورد تا برای تأمین معاش خود به چپاول سایر اقوام مجاور روی آورند (هوشنگ مهدوی، 1379: 245).

4- پیامدهای امنیتی معاهده آخال

معاهده آخال یکی از معاهداتی است که از سوی روسیه بر ایران تحمیل شد. هرچند اجرای مفاد این پیمان و پروتکل‌های الحاقی آن به دلیل اختلاف‌نظرهای مأموران کمیسیون مشترک و تحمیلات نماینده روسیه به تدریج محقق شد و سال‌ها به درازا کشید، لکن بر اثر آن سرزمین‌های وسیعی از خاک ایران جدا شد و تأثیرات منفی عمیقی بر امنیت ایران برجای گذاشت (سایکس، 1371: 515).

1- به لحاظ امنیتی هر چند به باور ناصرالدین‌شاه تصرف آخال از سوی روس‌ها، ایران را از تجاوزات ترکمانان مهاجم نجات می‌داد لکن این تهاجمات سال‌های بعد نیز ادامه داشت و روس‌ها هیچ اقدامی به منظور پیش‌گیری از آن به عمل نیاوردند. به دنبال قتل ناصرالدین‌شاه، اوضاع ایران رو به وخامت بیشتر نهاد و ضعف حکومت مرکزی بیشتر نمایان شد که این امر خودسری ترکمانان مروی و آخال‌ی مقیم اتک را باعث شد؛ تا آنجا که از فرمان‌برداری دولت ایران و پرداخت مالیات سرپیچی کردند؛ بنابراین ایران از پیمان آخال هیچ نتیجه‌ای به دست نیاورد ولی روسیه حداکثر استفاده را نمود (هوشنگ مهدوی، 1379: 250).

2- معاهده آخال همچنین به ضرر ترکمن‌ها بود و با مصالح سنتی قوم ترکمن همخوانی نداشت. میان آنان مرز کشیده شده و با قرار گرفتن در دو کشور مستقل، اتحاد آنان به تفرقه گرایید. ترکمن‌های ایران که بر اساس موافقت‌نامه دو دولت هر سال برای چراندن گله‌های خود به آن سوی مرز کوچ می‌کردند باید به هر دو دولت مالیات می‌دادند و این موضوع مقامات روسی و ایرانی را در جمع‌آوری مالیات دچار مشکل کرده بود.

3- به لحاظ جغرافیای سیاسی نیز این پیمان بر ضرر ایران طراحی گردید، زیرا خطوط مرزی کاملاً به نفع روسیه تعیین شد و بهترین زمین‌هایی که ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای کشاورزی و دامپروری داشتند از ایران جدا گردید. به گفته لرد

کرزن روس‌ها در ضمن انعقاد قرارداد مرزی اولاً کوه‌های بلند مرتفع سرحدی را در مرز خودشان انداختند، سپس سرچشمه رودخانه‌ها را نیز جزء خاک روسیه ثبت کردند که هر وقت اراده نمایند آب را بر روستاهای ایران قطع کنند و در نتیجه محصول خراسان را تباه سازند. علاوه بر این دولت ایران تعهد کرده بود که اجازه ندهد در امتداد رودهایی که وارد خاک روسیه می‌شود، روستای جدید ساخته شود یا اراضی زراعی آن مناطق گسترش یابد یا برای زمین‌های در حال کشت بیش از حد آب مصرف شود. بر اساس این تعهد، نماینده روسیه، کشاورزی در زمین‌های بین دو روستای ینگگی قلعه و دربند شرقی را که یک فرسخ مسافت داشت و تقریباً در تمام مواقع سال توسط کشاورزان ایرانی زراعت می‌شد ممنوع کرد، زیرا گسترش کشاورزی در این منطقه را باعث کمبود آب در منطقه‌ی متعلق به دولت روسیه می‌دانست. در سال 1314 ق نیز قزاق‌های روسی در «خان کران»، دو فرسنگی «سرخس ناصری» اقامت گزیده، مجرای آب سرخس ناصری را به سوی سرخس کهنه که در تصرف خودشان بود برگرداندند و سرخس ناصری رو به ویرانی نهاد و این‌گونه ناحیه‌ی حاصلخیزی از ایران از مدار و چرخه اقتصادی خارج شد (مدنی، 1369: 168).

4- جدا شدن آسیای میانه از ایران: وقتی صحبت از بی‌کفایتی شاهان قاجار می‌شود نخستین چیزی که به ذهن هر ایرانی می‌رسد عهدنامه‌های ننگین گلستان و ترکمانچای هست که باعث جدایی سرزمین قفقاز جنوبی که امروزه شامل آذربایجان، ارمنستان و قسمتی از گرجستان و داغستان روسیه شد. شاید خیلی از ایرانی‌ها از عهدنامه ننگین‌تری که باعث جدایی بخش بسیار بزرگ‌تری از ایران شد خبر نداشته باشند. چه آنکه جدایی این مناطق با قفقاز بسیار تفاوت دارد. اگر ایران در دو جنگ قفقاز جنوبی را از دست داد منتها در این مورد این جدایی بدون جنگ اتفاق افتاد و تفوق سیاسی روس‌ها در ایران به مدت ده سال ادامه یافت (هوشنگ مهدوی، 1379: 301). مسلماً وقتی به تاریخ ایران می‌نگریم نام خراسان بیشتر به چشم می‌آید. همان سرزمین تاریخی که امروزه تنها بخش کوچکی از آن در ایران قرار گرفته: ناحیه مشتمل بر بخارا و خوارزم و مرو، گرگانچ و سمرقند و بلخ و هرات. سرزمین اجدادی آریاییان که از آنجا به اطراف مهاجرت

کردند، سرزمین زرتشت، ابومسلم، مهد جنبش‌های استقلال‌طلبانه ایران در دوران اشغال عرب و سرزمین ابوعلی سینا، بیرونی و خوارزمی و صدها دانشمند و عالم که امروزه شهرهای بخارا و سمرقند و ناحیه خوارزم در ازبکستان و مرو و گرگانچ در ترکمنستان می‌باشد. نه تنها این نواحی به‌عنوان مهد تمدن ایرانی و حتی تمدن اسلامی از دست رفت، با یافت شدن ذخایر غنی نفت و گاز در ترکمنستان، تنها چندین کیلومتر دورتر از مرز ایران، اهمیت آنچه از دست رفت مشخص می‌شود، زیرا روسیه با تصرف منطقه آخال می‌توانست بر حساس‌ترین منطقه نفوذ بریتانیا ضربه بزند. (کاظم‌زاده، 1371: 65).

سرزمین ماوراءالنهر و ترکستان که امروزه به آسیای مرکزی معروف شده است، از گذشته‌های دور جزئی از قلمرو اصلی ایران بوده است. روس‌ها بنا به دلایل سیاسی نام آسیای میانه را بر آن نهادند؛ زیرا می‌خواستند برای آن تاریخ جدیدی بسازند و این‌گونه وانمود نمایند که با ایران قرابت فرهنگی زیادی نداشته است. نام شهرهای خوارزم (هوارزمی) بلخ (باختریش) سغد (سوگود) در کتیبه‌های هخامنشی آمده است.

به گواه اکثر مورخین، خوارزم نخستین سرزمینی است که آریایی‌ها در آن سکنی گزیدند، به ناحیه‌ای که ایرانیان در آن ساکن شدند «ایران ویج» یا «ایران وئجه» می‌گویند. این مناطق در دوره اشکانی و ساسانی هم در سیطره ایران بودند و حتی خاستگاه اولیه اشکانیان در منطقه ترکمنستان امروزی بوده است. در دوره اسلامی ترکستان و ماوراءالنهر از مراکز مهم سیاسی و فرهنگی گردید و همگان از اهمیت تاریخی و فرهنگی شهرهایی مانند بخارا، سمرقند، خوارزم و غیره آگاه هستند (شمیم، 1374: 249).

5- منطقه شرق خزر به محل منازعه ایران و روسیه تبدیل شد، دولت ایران با آنکه توانایی لازم را نداشت، اما نمی‌خواست به‌راحتی این قسمت را از دست بدهد. در سال 1270 پس از ناکامی ناصرالدین‌شاه در افغانستان و واگذاری آن منطقه به انگلستان درصدد برآمد به شورش‌های ترکستان پایان دهد. سلطان مرادمیرزا حاکم خراسان، سران ایلات یاغی را دستگیر و مرو را تصرف کرد، محمدمامین خان عامل اصلی ناآرامی‌ها در درگیری‌ها کشته شد، اما این موفقیت دوام چندانی نیاورد، حمزه میرزا جانشین سلطان مراد فاقد توانایی سلف خود بود به

همین علت با قوام الدوله وزیر خراسان بر سر نوع برخورد با ترکمن‌ها اختلاف پیدا کرد، سران ترکمن از این فرصت بهره بردند و سپاه ایران در مرو شکست فاحشی خورد و متلاشی شد و مرو به دست تراکمه افتاد (مفتاح، 1357: 221).

این آخرین زورآزمایی نظامی برای بازپس‌گیری منطقه بود. باوجود شکست، ایرانیان، سیاست مطیع ساختن ترکمن‌ها را ادامه دادند. میرزا حسین‌خان سپهسالار برای آخرین بار به تلاش‌هایی دیپلماتیک در این زمینه دست زد. او حاج میرزا رضیخان معظم الملک را مخفیانه به مرو فرستاد، پس از گفت‌وگوهای مفصل ترکمن‌ها حاضر به تمکین از ایران شدند و حاکمی بر شهر مرو گماشته شد و ترکمن‌ها موافقت کردند 20 نفر از سران را برای مذاکره و عقد قرارداد به دربار بفرستند. روس‌ها از این قضیه آگاه شدند و با تلاش بسیار مانع سفر سران به تهران گردیدند (محمود، 1372: 232).

6- روسیه از ضعف ایران و گرفتاری انگلستان در شورش‌های هند نهایت بهره را برد، زیرا میدان را خالی از رقیب می‌دید. ابتدا ترکمن‌ها را تحریک به شورش علیه ایران نمود و سپس ماشین جنگی خود را به کار انداخت و به بی‌نظمی و هرج‌ومرج در منطقه پایان داد. (کاظم‌زاده، 1371: 108).

در 26 محرم 1299 عهدنامه آخال در چهارفصل به امضای میرزاسعدیدخان موتمن الملک وزیر خارجه ایران و ایوان دینوویف وزیرمختار روسیه رسید. طبق فصل یکم و دوم، دو طرف، رود اترک را به‌عنوان خط مرزی قراردادند که از ناحیه چات تا خلیج حسنقلی امتداد داشت. در فصل سوم دولت ایران متعهد شد ظرف مدت یک سال قلعه غلغلاب و گرماب را که در متصرفات روسیه قرار گرفته بود تخلیه نماید. نسل چهارم اوج زورگویی یک قدرتمند را نشان می‌دهد که طبق آن ایران حق نداشت در مسیر رودهایی که از کوه‌های ایران سرچشمه می‌گرفتند بیش‌ازحد اراضی کشاورزی را مشروب نموده و یا روستایی تأسیس نماید. در مرحله اول اجرای قرارداد برای پایان دادن به درگیری‌های مرزی، ایران روستای فیروزه را به روسیه واگذار کرد و در عوض روستای حصار در غرب دریای خزر را که طبق ترکمانچای از ایران منتزع شده بود ضمیمه خاک ایران شد (اولریخ، 1377: 115).

مرحله دوم با تخلیه غلغلاب و گرماب و اسکان اهالی آن در خاک ایران پایان یافت. انتقال 240 خانوار و اسکان آنها هزینه مالی زیادی به حکومت ایران تحمیل کرد. رتق و فتق مسائل و مشکلات مرزی و اجرای مفاد قرارداد تا سال 1314 ادامه یافت (کاتم، 1371: 280). به طور کلی ولایات شرقی دریای خزر با توجه به ضعف دولت قاجار از حیطة اداره ایران خارج شد. این نکته حائز ذکر است که اگر یک دولت قدرتمند و ملی در رأس امور قرار می‌گرفت، می‌توانست به حکومت رسمی در این منطقه جنبه عملی بدهد. روسیه به راحتی بر منطقه تسلط یافت که هم به لحاظ سیاسی و هم اقتصادی برایش حائز اهمیت بود. هدف سیاسی، نزدیکی به هند و اعمال فشار بر انگلستان بود و هدف اقتصادی، دستیابی به بازار بزرگ مصرف و مواد خام همچنین باز شدن دروازه تجارت با آسیای جنوبی بود (شمیم، 1374: 152).

5- عوامل سیاسی

انحطاط، فساد، و سوء تشکیلات دستگاه دولتی از مهم‌ترین عواملی بود که به گسترش نفوذ خارجی‌ها به‌ویژه روس‌ها در ایران کمک کرده بود. چرخ دستگاه دولت، تماماً برای تأمین سود مادی عده‌ای اندک از افراد گردش می‌کرد. اخاذی و رشوه‌خواری و دزدی هر کدام به میزانی باورنکردنی رسیده بود (Ghlookhoded, 1968:5). تشدید ستم ملی و تلاش سرمایه مالی برای ویران کردن استقلال ملی و تابعیت اقتصادی و سیاسی ملل شرق از جمله ایران را می‌توان خصیصه فرارسیدن عصر امپریالیسم به شمار آورد (فوران، 1378: 170). کشور ایران که ظاهراً دولتی مستقل بود، در گیرودار تضادهای بین دو امپریالیسم و مبارزه دولت‌های بیگانه و بیش از همه انگلستان و روسیه تزاری گرفتار بود (Ghlookhoded, 1968:6). از نظر سیاسی هر چند به باور ناصرالدین‌شاه، تصرف آخال از سوی روس‌ها، ایران را از تجاوزات ترکمانان مهاجم نجات می‌داد، اما این تهاجمات سال‌های بعد نیز ادامه داشت و دولت روسیه هیچ اقدامی به‌منظور پیش‌گیری از آن به عمل نیاورد (Matewef, 1957: 28).

بررسی تاریخی توسعه‌طلبی روسیه در آسیای مرکزی نشان می‌دهد که مقامات روسی از نقشه قطعی و عزم راسخ خویش در اجرای سیاست آسیای میانه‌ای خود به دست داده و ماهیت تجاوزکارانه این سیاست را برملا ساختند (مرکز اسناد وزارت امور خارجه: مکاتبات تا سال 1322 ق، کارتن شماره 14، موضوع: تجاوزات روسیه به ایران).

به طور کلی از دست رفتن بخشی از حاکمیت ملی ایران در همسایگی روسیه مهم‌ترین پیامد سیاسی پیمان آخال بود.

6- عوامل اقتصادی

در آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه، کم‌کم زراعت خشخاش فراگیر شد و عمومیت یافت و در اطراف تهران در سال 1850 م تریاک‌کاری آغاز گردید (اعتمادالسلطنه، 1364: 310). در سال‌های 1287-1288 قمری قحطی شدیدی ایران را فراگرفت و هزاران نفر کشته شدند. این شرایط نامطلوب اقتصادی ایران، نتیجه تحولات اصولی در مناسبات دوجانبه ایران با کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته بود (آدمیت، 1362: 264). تحت تأثیر سرمایه خارجی، اقتصاد ایران به سرعت شکل و حالت استعماری به خود گرفت و رژیم ارتجاعی شاهان قاجار، به‌طور تنگاتنگی با نظام انحصارات سرمایه‌داری در ارتباط و کاملاً به آن وابسته گردید و فعالانه در تبدیل ایران به یک مستعمره کمک کرد و در مسیر گسترش نیروهای تولیدی کشور وقفه ایجاد کرد (فورائف 1378: 180).

پس از قرارداد ترکمنچای، پیمان آخال ضربه مهلکی بر اقتصاد ایران وارد می‌کرد، زیرا به‌موجب آن، خان‌های ترکستان و ماوراءالنهر که در زمان صفویه تابع پادشاهی ایران بودند و منافع اقتصادی زیادی برای ایران داشتند، برای همیشه از ایران جدا شدند (Loghashova, 976:109). تحولات اقتصادی ایران در این دوره تحولی وابسته بود؛ زیرا از خارج شکل می‌رفت و محدودیت‌های زیادی داشت. از سوی دیگر این قرارداد به ضرر ترکمن‌ها بود و با مصالح سنتی قوم ترکمن همخوانی نداشت. میان آنان مرز کشیده شد و ارتباط بین این اقوام در دو کشور منقطع شد و اتحاد آنان به هم خورد. یموت‌های ایران که بر اساس موافقت‌نامه دو دولت هر سال برای چراندن گله‌های خود به آن سوی مرز کوچ می‌کردند، باید به هر دو دولت مالیات می‌دادند و این موضوع مقامات روسی و ایرانی را در جمع‌آوری مالیات دچار مشکل کرده بود.

همچنین این قرارداد منجر به پیدایش قرارداد 1907 میلادی و تقسیم ایران به مناطق نفوذ گردید؛ زیرا دولت انگلیس با به وجود آوردن الزام و تعهد برای روسیه، از تعدی این دولت به مناطق جنوبی که راه رسیدن و نفوذ به هندوستان بود، جلوگیری به عمل آورد (Loghashova, 1986: 113).

7- نقش انگلستان در انعقاد معاهده آخال

در رابطه با عهدنامه آخال که در سال 1299 ق / 1881 م با تصرف مرو توسط روس‌ها بسته شد، این دوره، زمانی بود که انگلیسی‌ها سیاست نرمش و سازش با روس‌ها را در پیش گرفته بودند و ایران که به‌تنهایی خود را قادر به مقابله با این کشور نمی‌دید، به‌ناچار عهدنامه را پذیرفت. ناصرالدین‌شاه خشم خود را از انگلیسی‌ها پس از عهدنامه آخال این‌چنین بیان می‌کند: «دولت انگلیس از زمان شاهنشاه مرحوم الی حال در امور آسیای مرکزی خبط و خطا کرد اگر بجای منع و تهدید به شاه مرحوم اعانت می‌کرد در وقت محاصره هرات، و هرات را دولت ایران می‌گرفت، بعد کم‌کم مرو و خواف را الی کنار جیحون متصرف می‌شد. دولت روسیه حالا کجا آخال و ترکمان و خوارزم داشت. همه مال ایران بود و یک سد محکمی میان روس و انگلیس بود. دولت ایران هم دید این‌طور است بالمره از صرافت توسعه سرحد خود و مداخله به ترکمان و افغان افتاد» (شمیم، 1374: 152). زمانی که روس‌ها در آسیای میانه پیشروی می‌کردند، واکنش دولتمردان انگلیس توأم با محافظه‌کاری و تردید بود و به نظر می‌رسد که انگلیسی‌ها به روس‌ها چراغ سبز نشان داده بودند تا حدود معینی پیشروی کنند. این رویه تا ادامه داشت تا زمانی که برخی از مأموران نه‌چندان بلندپایه حکومت هند خواستار برخورد با روس‌ها شدند (وحید مازندرانی، 1350: 351). در این زمینه سرجان لارنس نایب‌السلطنه هند اظهار داشت: «من خود به‌هیچ‌وجه یقین ندارم که ممکن نیست روسیه نسبت به اقوام مسلمان آسیای میانه و کابل متحدی اطمینان‌بخش‌تر و همسایه‌ای بهتر از کار درنیاید. روسیه تمدن را ترویج و تعصب و توحش مسلمانی را که هنوز در هندوستان نفوذی عظیم دارد تخفیف خواهد داد.» فرمانده کل قوای هند نیز انگلستان را قوی‌تر از آن می‌دانست که آنها از پیشروی روس‌ها در آسیای میانه وحشت نمایند. زمانی که کارمندان سفارت انگلیس در ایران مانند ایستویک و راولینسون از دولت متبوعشان می‌خواستند تا ایران را در مقابل روس‌ها تقویت کنند و افسران نظامی برای آموزش سپاهیان ایران بفرستند، دولت انگلیس که سیاست مدارا با روس‌ها در پیش گرفته بود. این‌گونه اظهار می‌کند «با توجه به روابطی که در حال حاضر با روس‌ها داریم، اگر ببینیم که عده‌ای از صاحب‌منصبان روسی به فرماندهی قوای ایران انتخاب شده‌اند این کار سخت مایه سوءظن ما خواهد شد. حال اگر ما وضعی شبیه به این به وجود آریم

شاید این کار موجب اعتراض شدید کابینه سن پترزبورگ شود.» در واقع انگلیسی‌ها بارها به‌طور محرمانه در مورد ایران با روس‌ها به توافق رسیده بودند که وزیر خارجه انگلستان در نامه خود به میرزا حسین‌خان به دو مورد آن اشاره می‌کند که آن دو در سال‌های 1249 ق/ 1834 م و 1254 ق/ 1838 م انجام گرفته‌اند. (حقیقت، 1381: 225). پیشروی روس‌ها در آسیای میانه اقدامات زیان‌بار انگلیسی‌ها علیه ایران را نیز در پی داشت. روس‌ها نه‌تنها خود سرزمین‌های وسیعی را از ایران جدا نمودند بلکه سبب جدا شدن اراضی پهناوری از سرزمین‌های شرقی ایران توسط انگلستان شدند. با فتح بخارا در سال 1285 ق/ 1868 م انگلیسی‌ها برای تأمین امنیت هند در برابر روس‌ها به فکر تحدید حدود سیستان و بلوچستان افتادند. برای اجرای این طرح ژنرال گلداسمیت - که سرپرست نظارت بر اجرای قرارداد تلگرافی ایران - انگلیس بود - مأموریت یافت. در سال 1288 ق/ 1871 م قسمتی از بلوچستان از ایران جدا شد و در سال بعد بخش‌هایی از سیستان از تصرف ایران خارج شد. البته جدایی هرات از ایران نیز نتیجه توسعه‌طلبی‌های روسیه بود (کاتم، 1371: 198). علاوه بر این انگلیسی‌ها بعد از معاهده آخال به این نتیجه رسیدند که آنها قادر به جلوگیری از توسعه‌طلبی‌های ارضی روسیه در ایران نیستند؛ بنابراین صلاح را در این دیدند که با روسیه بر سر ایران پای میز معامله بنشینند و به توافق برسند. آنها که تا این زمان سیاستشان بر این بود که بین متصرفات خود و روسیه توسط کشورهای ضعیف و پوشالی فاصله بیندازند اکنون به این نتیجه رسیده بودند که این‌گونه کشورهای ناتوان برای ادامه صلح باید از روی نقشه جهان محو و بین استعمارگران تقسیم شوند. این سیاست انگلستان از سال 1303 ق/ 1885 م با آمدن سرآرتور نیکلسون شروع شد و وزاری مختار بعدی این سیاست را ادامه دادند. بالاخره بعد از دو دهه فعالیت روس‌ها را راضی به تقسیم ایران کردند و با قرارداد 1325 ق/ 1907 م بر سر ایران به توافق رسیدند. در نتیجه یکی از پیامدهای آخال را می‌توان انعقاد این قرارداد دانست. (سارلی، 1373: 89).

پیامد دیگر تجاوزگری‌های روسیه در سرزمین‌های شمال شرق ایران - البته قبل از معاهده آخال - این بود که دربار و رجال قاجار برای جلوگیری از تحمیل یک معاهده ارضی - سیاسی دیگر از سوی روسیه تزاری و توسعه‌طلبی بیشتر آن کشور، شروع به دادن امتیازات به انگلیسی‌ها نمودند. شاید یکی از دلایل واگذاری امتیاز رویتر به

انگلیسی‌ها توسط سپهسالار در سال 1289 ق/ 1872 م در همین راستا صورت گرفت تا از تحمیل معاهده‌ای مانند آخال ممانعت نماید. امین السلطان نیز برای حساس کردن انگلیسی‌ها به سرنوشت ایران همین سیاست را در پیش گرفت (شمیم، 1374: 142).

ناگفته نماند که دیگر دولت استعماری اروپا یعنی فرانسویان نیز در مقطعی ایران را قربانی امیال سلطه طلبانه خود ساختند. آنان با عقد معاهده فین کنشتاین و وعده کمک به ایران، باعث طولانی‌تر شدن جنگ‌های اول ایران و روس گردیدند. چرا که ایرانیان با پشت‌گرمی این معاهده به پیشنهادات صلح روس‌ها جواب رد می‌دادند، اما تنها چند ماه بعد از معاهده فین کنشتاین، ناپلئون معاهده تیلسیت را با روس‌ها امضا کرد و ایران را به‌عنوان پیشکشی تقدیم روس‌ها نمود. در ایران نیز ژنرال گاردان بعد از معاهده تیلسیت به عباس میرزا اطمینان داد که موجبات صلح ایران و روس را فراهم می‌سازد. در نتیجه عباس میرزا بخش عمده‌ای از سپاهیان را مرخص کرد. ولی با حمله غیرمنتظره روس‌ها مواجه شد و بدین ترتیب فرانسویان نه‌تنها کمکی به ایران ننمودند بلکه باعث غافلگیری سپاه ایران نیز شدند (سایکس، 1371: 152). «واگذاشتن ایران به روس‌ها یکی از امتیازات و پیشکشی‌هایی بود که انگلیسی‌ها در ازای تشکیل اتحادیه سوم اروپا علیه فرانسه به الکساندر تزار روس تقدیم نمودند. بعداً اتحاد با فرانسه پیش آمد، اما هنوز اندک زمانی بیش نگذشته بود، یعنی در کمتر از دو ماه ناپلئون در برابر کسب دوستی و اتحاد تزار علیه بریتانیا، ایران را که از امتیاز عالی اتحاد برخوردار بود به‌عنوان پیشکشی به روس‌ها واگذار نموده، تزار را به مداخله در این سرزمین تشویق کرد. ایران مجدداً در برابر خصم تنها ماند و در عین اتحاد با فرانسه بدون متحد و مددکار در زیر ضربات ارتش مدرن روس افتاد.» (حقیقت، 1381: 1222).

درواقع هر یک از دولت‌های بریتانیا و فرانسه در موقع معینی که اوضاع بین‌المللی و منافع کشورشان ایجاب می‌نمود دست اتحاد به‌سوی ایران دراز می‌کردند. حکومت ایران نیز که در پیچ‌وخم گرفتاری‌های عمده خود سرگردان بود آن را با اشتیاق می‌فشرد. ولی به‌زودی متوجه می‌شد که آن دست برای گرفتن دراز شده است نه برای کمک کردن. سیاست این دو دولت عبارت بود از «اتحاد با ایران در موقع لزوم و رها کردن آن نیز در موقع لزوم.» بنابراین هر وقت که این دو دولت به اتحاد با ایران نیازی نداشتند آن را دودستی تحویل حریف سابق خود و دشمن مداوم او می‌دادند. می‌توان گفت دولت ایران

به‌عنوان برگ برنده و کارتی بود که این دولت‌ها برای امتیاز گرفتن از رقیبان خود با آن بازی می‌کردند. اصلاً اتحاد دولت ایران، از عقب‌افتادگی و ناتوانی مالی و نظامی و صنعتی رنج می‌برد، با دولت‌های استعمارگری که به دنبال طعمه برای منافع و مقاصد امپریالیستی خود می‌گشتند محکوم به شکست و ناامیدی بود و اتحاد یک دولت ضعیف با دولتی از دولت‌های قدرتمند جهان در زمان حال و آینده جز این سرنوشتی نمی‌تواند داشته باشد. (شمیم، 1374: 132).

این‌چنین دربار ناآگاه ایران، قربانی بازی‌ها و معاملات سیاسی قدرت‌های بزرگ امپریالیستی گردید و این رفتار قدرت‌های امپریالیستی نشان داد که آنان در تعهدات و پیمان‌های خود با کشورهای ضعیف صرفاً به دنبال بهره‌برداری از آنان برای رسیدن به مقاصد استعماری خود بودند و به‌هیچ‌وجه به وعده‌ها و تعهدات خود عمل نمی‌کردند، اما عجیب اینکه دربار ایران از این پیمان‌شکنی‌های مکرر اروپاییان درس نمی‌گرفت و مجدداً بدان‌ها متوسل می‌شد. در رابطه با برخورد سه قدرت بزرگ آن زمان با ایران آمده است که «ایران را روس‌ها تهدید و تخویف نمودند، فرانسوی‌ها ریشخند کردند و انگلیسی‌ها هرگز نشده که در سیاست خودشان با ایران ولو یک‌بار هم شده با آن عادلانه رفتار کنند.» اما در باب عملکرد این دولت‌های امپریالیستی در ایران می‌توان گفت که باینکه بیش از دو قرن از آغاز سیاست‌های استعماری این دولت‌ها در ایران می‌گذرد، هنوز هم کم‌وبیش بر همان سیاست‌های گذشته خود اصرار می‌ورزند، و دست از رفتارهای مغرضانه خود برنداشته‌اند.

در رابطه با نقش انگلستان در تحمیل معاهدات گلستان، ترکمانچای و آخال از سوی روسیه تزاری بر ایران عصر قاجار می‌توان گفت: دستگاه حاکمه ایران و در رأس آن شاهان قاجار، لاقلاً تا قبل از ناصرالدین‌شاه، آگاهی و شناخت درستی از تحولات و روابط بین‌الملل نداشتند. آنان اهداف و مقاصد کشورهای استعماری در روابطشان با ایران را درک نمی‌کردند و به‌راحتی قربانی بازی‌های سیاسی این قدرت‌ها می‌شدند. در این میان کشوری مانند انگلستان که در اوج رقابت‌های استعماری خود با دیگر دولت‌های اروپایی به سر می‌برد، نهایت استفاده را از این وضعیت می‌نمود. انگلیسی‌ها از سویی قدرتمندترین رقیب استعماری خود یعنی روسیه را در جنگ‌های طولانی‌مدت گرفتار می‌نمودند. از سوی دیگر ایرانیان را با وعده و وعید در موقع مقتضی به جنگ و

یا ترک جنگ با روسیه وادار می‌نمودند. به طوری که این کشور هم در چگونگی شروع و پایان جنگ‌های ایران و روس و هم در تحمیل معاهدات روسیه‌ی تزاری بر ایران نقشی کلیدی داشت. همچنین انگلیسی‌ها پس از انعقاد معاهدات گلستان، ترکمانچای و آخال از این معاهدات در مناسبات آینده‌ی خود با ایران استفاده کردند. (کاظم‌زاده، 1371: 152). باین‌حال نباید از نظر دور داشت که اولین عامل تحمیل این معاهدات بر ایران، ناکارآمدی سیستم استبدادی و ارتجاعی قاجار بر ایران بود. قاجارها که پس از یک دوره پرآشوب بر ایران حکم‌فرما شده بودند، توانایی مدیریت و سازمان‌دهی دوباره نیروهای مادی و معنوی کشور را نداشتند. از سوی دیگر استبداد قاجاری قادر به تحمل کس دیگری نبود و صدراعظم‌های مقتدر و کاردان دوره قاجار، همگی به سرعت کنار زده می‌شدند. علت این امر هم ترس از قدرت‌گیری آنان و خدشه‌دار شدن استبداد مطلقه بود (کرزن، 1373: 220).

نتیجه‌گیری

قرارداد آخال از جمله قراردادهایی بود که دولت روسیه برای رسیدن به اهداف سیاسی خود بر ایران تحمیل کرد که منجر به جدا شدن بخش عظیمی از مناطق شمال شرقی ایران شد. پیمان آخال تأثیر دوگانه‌ای بر ایران داشت. از یک‌سو، ایران تا حدی از یورش‌های ترکمن‌ها رهایی یافت اما این موضوع به بهای از دست رفتن سرزمین‌هایی تحققی یافت که ناصرالدین‌شاه ادعای سلطنت بر آن‌ها را داشت. این قرارداد کاملاً به نفع روس‌ها طراحی شد. دولت روسیه که از اواخر قرن هجدهم میلادی شروع به اجرای وصیت‌نامه پترکبیر در مورد دست یافتن به آب‌های گرم خلیج فارس کرده بود، پس از آنکه در دو دوره جنگ با ایران، سراسر قفقاز را تصرف کرد، با انعقاد پیمان آخال توانست دومین مرحله از برنامه‌های توسعه‌طلبانه خود را بدون اشکال عملی سازد و سومین مرحله سیاست توسعه‌طلبانه روس‌ها، بیست‌وشش سال بعد از این تاریخ با امضای قرارداد تقسیم ایران به مناطق نفوذ 1907 تأمین گردید. با توجه به تهدیدهای دشمنان نظام علیه تمامیت ارضی ایران، سرزمین کنونی ایران، تنها سی درصد از ناحیه‌ای وسیع است که در تاریخ با نام‌های «ایران‌زمین»، «ایران بزرگ» یا «ایران‌شهر» و در جغرافیا با نام «فلات ایران» شناخته می‌شود. ترفندها و دسیسه‌های بیگانگان و سستی پادشاهان

بی‌کفایت گذشته بخش‌های زیادی از این سرزمین کهن را در طول فاصله کوتاه 196 ساله از ایران بزرگ جدا نمود که مروری بر چگونگی هر یک از این جدایی‌ها به‌رغم تلخی بسیار برای میهن‌گرایان ایرانی، جهت الزام جدیت و حساسیت ما دست‌کم برای حفظ سرزمین‌های باقیمانده موجود بسیار آموزنده خواهد بود.

منابع

- آدمیت، فریدون (1362)، امیرکبیر و ایران، تهران، انتشارات خوارزمی.
- اسناد وزارت امور خارجه: مکاتبات تا سال 1322 ق، کارتن شماره 14، موضوع: (تجاوزات روسیه به ایران).
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (1364)، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیلی، تهران انتشارات زمینه.
- اولریخ گرگه (1377)، پیش به سوی شرق، ایران در سیاست شرقی آلمان، ترجمه پرویز صدری، تهران، کتابخانه سیامک.
- حقیقت، عبدالرفیع (1381)، روابط خارجی ایران، تهران، انتشارات کومش.
- سارلی، اراز محمد (1373)، تاریخ ترکمنستان، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- سایکس، سرپرسی (1371)، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، انتشارات کویر.
- شمیم، علی اصغر (1374)، ایران در دوره سلطنت قاجار، نشر افکار.
- فوران، جان (1378)، مقاومت شکننده، چاپ اول، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدماتی فرهنگی رسا.
- کاظم‌زاده، فیروز (1372)، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- کاتم، ریچارد (1371)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات کویر.
- کرزن، جرج (1373)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمود، محمود (1372)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، تهران، انتشارات اقبال.
- مخبر، محمدعلی (1324)، مرزهای ایران، تهران، کیهان.
- مفتاح، الهامه (1357)، تسلط روس‌ها بر مرو پایان استقلال ترکمن‌ها (1881-1884 م) تهران، نشر آگاه.

- مدنی، جلال‌الدین (1369)، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران از آغاز قاجاریه تا انقلاب مشروطیت، دفتر انتشارات وابسته به حوزه علمیه قم.
- موسوی، محمد کاظم، (1383)، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرةالمعارف اسلامی، چاپ پنجم، ج 1.
- وحید مازندرانی، غلامعلی (1350)، مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (1379)، روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- Ghlookhoded, W. s. (1976). *problemi Economiches Kaya, razvitiia Irana*. Moscow.
- Loghashova, B. R. (1976). *Turkmeni Irana*. Moscow.
- Matewf, A. M. (1957). *sosialon-Politicheskaiia barba ve Estrabade Tashkent*.
- Loghashova, m. s. (1986). *Ocherk istorii Irana*. Moscow.